
بررسی نقش دین بر همبستگی اجتماعی در بین شهروندان شهر تهران

حسنعلی تاتار^۱، دکتر سروش فتحی^۲

چکیده

همبستگی اجتماعی دلالت بر توافق جمعی میان اعضای یک جامعه دارد و آن عامل پذیرش و درونی کردن نظام ارزش و هنجارهای یک جامعه وجود تعلق به جمع (احساس ما کردن) و تعامل میان افراد جامعه است در این مسان عوامل مختلفی در ایجاد و یا ارتقاء همبستگی بنا به وزن خود نقش دارند یکی از عوامل اساسی دین باشد می دانیم امری است دارای خصلتی اجتماعی که جمع بسیاری با آن زندگی می کند و در بردارنده اعتقادات مشخصی است، مناسکی آشکار دارد، از کیش بیرونی و مشهود برخوردار است و افراد جامعه را به یک جمع اجتماعی فرامی خواند. بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی نقش دین بر همبستگی اجتماعی در بین شهروندان شهر تهران می باشد. روش تحقیق توصیفی و پیمایشی می باشد حجم نمونه ۴۰۰ نفر از شهروندان به شیوه نمونه گیری خوشه ای انتخاب گردیده اند. ابزار گردآوری، آزمون دینداری از پرسشنامه استاندارد گلاک و استارک و همبستگی اجتماعی از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. یافته ها نشان داد میزان دینداری و ابعاد آن و همبستگی اجتماعی در بین شهروندان مورد مطالعه متوسط به بالا می باشد. نتایج به دست آمده موید این واقعیت است که دینداری نقش اساسی بر همبستگی اجتماعی در بین شهروندان دارد همچنین بین ابعاد دینداری با همبستگی اجتماعی رابطه معنی دار بدست آمد.

کلید واژگان: دینداری، همبستگی اجتماعی، بعد اعتقادی، بعد عاطفی، بعد پیامدی، بعد مناسکی.

تاریخ پذیرش: ۹۵/۳/۲۶

تاریخ دریافت: ۹۵/۱/۲۱

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد گروه جامعه شناسی واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی گرمسار، ایران

۲. گروه علوم اجتماعی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

(نویسنده مسئول) . E-Mail: fathi.soroush@gmail.com

مقدمه

دین در لغت آیین، روش، شیوه و اخلاق آمده است و در اصطلاح جامعه‌شناختی، دین عبارت است از امری که دارای خصلتی اجتماعی است که جمع بسیاری با آن زندگی می‌کند و در بردارنده اعتقادات مشخصی است، مناسکی آشکار دارد، از کیش بیرونی و مشهود بر خوردار است و با مراسمی همگانی همراه است که با سلوک و اعمال معتقدان و ایمان آنان پیوند داشته، در حیات اجتماعی انعکاس می‌یابد. جامعه نیز به نوبه خود بر آنان تأثیر می‌گذارد و شرایط محیطی آنان را فراهم می‌سازد. بدین ترتیب، از نقطه نظر کلی در جامعه‌شناسی، هر دینی شکل یا بیانی از حیات اجتماعی است که مورد مطالعه جامعه‌شناس قرار می‌گیرد (بیرو، ۱۳۸۱: ۱۲۶).

از نظر دورکیم، آنگونه که در کتاب صورت ابتدایی آمده، دین عبارت است از: نظامی واحد و یکپارچه از اعتقادات و اعمالی که به امور مقدس یعنی اموری که ممنوع شده‌اند، مربوط می‌شوند. اعتقادات و اعمالی که در یک اجتماع معنوی موسوم به عبادتگاه (کلیسا) وحدت یافته‌اند (ابن‌فارس، ۲۰۱۰: ۱۴۱۰). یکی از موضوعات مهم مطالعات جامعه‌شناختی و از محورهای مهم دین پژوهی، موضوع دین به عنوان یک مجموعه از قواعد رفتار و هنجارهاست که در کنار سایر نهادهای اجتماعی، دارای تأثیر ویژه‌ای در عرصه‌های گوناگون اجتماعی از جمله ایجاد همبستگی و انسجام اجتماعی است. از جمله ایرادهای اساسی علوم انسانی غربی، از جمله جامعه‌شناسی در تحلیل این مهم و نقش آن در این زمینه است (آقایی، ۱۳۸۹: ۹۵). بررسی‌های جامعه‌شناختی در حوزه دین و رشد مطالعات در زمینه روان‌شناسی مذهب نشان دهنده وجود رابطه بین مذهب و همبستگی اجتماعی است و برخی دانشمندان نیز عصر حاضر را دوره بازگشت و بازنگری به دین دانسته‌اند. مونتسکیو نیز نظراتی را در باب ملت و جامعه ارائه نموده است. وی به موضوعات مختلف اجتماعی، از جمله نظم در توالی و تعدد علل اجتماعی، توجه نشان داده است. وی به تأثیر پذیری اعضای جامعه از مناسبات متفاوت اجتماعی و آداب و رسوم حاکم بر آنها سخن گفته و خاستگاه واقعی جامعه را برآیند تلاقی رسوم، عادات، افکار و آرمان‌ها دانسته است (ریمون، ۱۳۸۱: ۲۷). وی در تحلیل انواع حکومت‌ها به موضوع سازمان اجتماعی، که لازمه آن نوعی همبستگی ملی است، توجه نشان داده است؛ زیرا همواره حکومت‌ها کوشیده‌اند سلطه و اقتدار سیاسی خود را بر سرزمین و مردم هم بسته خود بگسترانند

شرط ایجاد و بقاء اتحاد، هماهنگی، تعادل و انسجام اجتماعی، تعادل قوا و یا تعامل سامان یافته گروه های اجتماعی است (ریمون، ۱۳۸۱: ۳۳).

سن سیمون، در ایفای نقش استادی، تأثیراتی بر آگوست کنت داشته است. سن سیمون، همانند مونتسکیو با مبانی محافظه کارانه، هماهنگی و انسجام اجتماعی را سرلوح اندیشه خود قرار داده و با حفظ این مبانی، زمینه اتصال کنت با پیشینیان او را فراهم می کند. از این رو، کنت همچون استادش، در قامت یک متفکر محافظه کار و اثبات گرا ظاهر می شود (ریترز، ۱۳۸۶: ۲۴۷).

صریح ترین آیه ای که به موضوع همبستگی اجتماعی اشاره دارد، آیه ۱۰۳ سوره آل عمران است. در این آیه، هیچ یک از ویژگی های انسانی از جمله مشترکات قومی، خونی، نژادی، زبانی و ... به عنوان عامل همبستگی شناخته نشده است، (مدرسی، ۱۴۱۹: ۳۱۰). زیرا هیچ یک از این ویژگی ها برخاسته از فطرت مشترک همه انسان ها نیست. در نتیجه، هرچند در مواردی موجب هم گرایی و جمع کردن عده ای می شود، اما عده بیشتری را خارج می کند. این امر خود، عامل گسست و جدایی می شود (فضل الله، ۱۴۱۹: ۱۵۲). عاملی که در این آیه، مورد تأکید قرار گرفته است، پیروی عقیدتی و التزام عملی به دین اسلام است و از همگی خواسته است که به ریسمان الهی چنگ زده و از هرگونه تفرقه پرهیز کنند.

هرچه اعتقاد یک جامعه و گروه مذهبی نیرومندتر باشد، آن مجموعه یکپارچه تر است. از این رو، بهتر می تواند محیطی فراهم سازد که اعضای آن در آن محیط، از تجربه آزار دهنده و ناامید کننده گسست اجتماعی در امان باشند. نکته قابل توجه اینکه این وظیفه یکپارچه سازی را در جوامع سنتی، دین به ویژه در بخش مناسکی آن به عهده دارد. در حالی که، کارکرد اجتماعی آئین های دینی همیشه ثابت مانده است، محتوای فکری و عقلانی عقیده دینی همواره قابل تغییر بوده اند. عقاید «بعد نظری» دین می باشند. عقاید ممکن است مسیحی را از یهودی و هندو متمایز سازد، ولی در واقعیت ایده های خاصی که آنها ابراز می دارند، تفاوت چندانی ندارند. ایده ها همواره در ادیان مختلف، و حتی در یک دین در عصرهای مختلف تغییر می یابند، ولی نیاز به مراسم همواره باقی است. مراسم، منبع واقعی انسجام اجتماعی اند. آنها در هر جامعه ای چفت و بست ها و پیوندهای واقعی هستند. آنها معنی واقعی دین را بیان می کنند. به عبارت دیگر، دورکیم معتقد است که مناسک و مراسم دین برای کارکرد درست زندگی اخلاقی ما به همان اندازه ضروری اند که فرد برای زنده نگه داشتن زندگی جسمانی؛ تمام اهتمام خویش را به

کار می‌گیرد؛ زیرا از طریق مناسک است که گروه خود را تأیید و حفظ می‌کند (همیلتون، ۱۳۷۷: ۳۰۲).

اهل فن نهاد اصلی را نهادی تعریف کردند که هیچ جامعه‌ای در هیچ دوره تاریخی نمی‌تواند فاقد آن باشد و حذف آن نهاد، حذف و فروپاشی جامعه را در پی دارد. جامعه، که متشکل از نهادهای مختلف است، مشترکات و محورهای گوناگون تشکیل دهنده‌ای دارد. مهمترین آنها در تحلیل بسیاری از اندیشمندان، زبان، نژاد و سرزمین است. در هر جامعه‌ای ممکن است نقش هر کدام در وحدت و انسجام آن جامعه متفاوت باشد. اما آنچه قابل تأمل است، اینکه عامل یاد شده، چه بسا بستر مناسبی برای نابرابری و جنگ و خونریزی باشند، درگیری‌های تاریخی قبیله‌ای و نژادی در طول تاریخ شواهد خوبی بر این مدعا هستند. به نظر می‌رسد، برای حفظ و آرامش و جلوگیری از هرگونه اختلاف، جامعه بشری نیازمند عاملی قوی‌تر و فراتر از چاره‌اندیشی بشری است تا منافع همه شهروندان را تأمین نماید. براساس مراجعه به متون دینی و بعضاً غیردینی، راز این سلامت و تأمین نیاز واقعی را در حقیقتی به نام دین باید یافت.

نهاد دین با چنین اهمیت و قدرتی کارکردهای مهمی را داراست. یکی از کارکردهای مهم نهاد دین ایجاد همبستگی و انسجام اجتماعی است. این نهاد با ارائه دستورات مشخص از یک سو آحاد جامعه را به شیوه‌ای خاص اجتماعی می‌کند و آنان از طریق ارائه یک الگوی روشن و با چارچوب تربیتی، شخصیت‌سازی می‌شوند و با درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای دینی بخش وسیعی از افراد جامعه با الگوی ارائه شده از سوی نهاد دین مومن می‌شوند و از سوی دیگر بدون نیاز به کنترل بیرونی نهاد دین، رفتار آنان را بر مبنای قواعد دینی تنظیم می‌کند و با ایجاد همسانی نسبی، انسجام اجتماعی را به وجود می‌آورد.

براساس ویژگی‌های دو مفهوم دین و همبستگی، به نظر می‌رسد از آنجا که دین از نیروهایی است که اولاً، در درون فرد احساس الزام اخلاقی به هواداری از در خواست‌های جامعه را ایجاد می‌کند و ثانیاً سازوکاری ایجاد می‌کند که می‌توان در مواقع به خطر افتادن سامان اجتماعی، آن را به کار گرفت و ثالثاً، از عناصر اصلی و عمده یکپارچگی و گستردگی عمل متقابل اعضای جامعه و گروه با یکدیگر است، می‌توان بیان نمود که هر چه اعضای جامعه متکی به یک رشته تجلی‌های نمادین و مفروضات مشترک درباره جهان پیرامون خود باشند، می‌توانند وحدت اخلاقی را حفظ و تضمین نمایند. و بدون این اعتقاد مشترک، هر نوع جامعه‌ای محکوم به تباهی و فروپاشیدگی است.

بسیاری از جامعه شناسان و مردم شناسان که به مطالعه دین پرداخته اند به نقش دین در همبستگی اجتماعی توجه نموده اند. برای نمونه کوزر در شرح نظریه کنت به عنوان اولین جامعه شناس و مخالف دین سنتی و مؤسس دین انسانیت در مورد نقش دین در همبستگی اجتماعی می‌گوید: «جامعه علاوه بر زبان به یک اعتقاد مشترک نیز نیاز دارد. دین همان اصل وحدت بخش و زمینه مشترکی را فراهم می‌سازد که اگر نبود اختلاف‌های فردی جامعه را از هم می‌گسیخت. دین به انسان‌ها اجازه می‌دهد تا بر تمایلات خودخواهانه شان فایق آیند و به خاطر عشق به هم نوعانشان فراتر از این خودخواهی عمل کند. دین همان شیرازه نیرومندی است که افراد جامعه را با یک کیش و نظام عقیدتی مشترک به همدیگر پیوند می‌دهد. دین سنگ بنای سامان اجتماعی است. توجه به دین و دین‌مداری اعضای جامعه، از دیگر عوامل ایجاد همبستگی اجتماعی است. عمده‌ترین کارکرد دین، ایجاد وحدت و همبستگی اجتماعی است. امیل دورکیم، جامعه‌شناس شهیر فرانسوی، در تعریف خود از دین به نقش دین در ایجاد همبستگی گروهی اشاره نموده و دین را نظام یک‌پارچه‌ای از عقاید و رفتارهای معطوف به امور مقدس می‌داند که تمام پیروان پای‌بند به عقاید و رفتارهای دینی را در یک اجتماع اخلاقی، هم‌آهنگ و متحد می‌سازد. پس دین بخش مهمی از مطالعات جامعه شناسان را به خود اختصاص داده و از این جهت دین، یکی از قسمت‌های مهم نظریات جامعه‌شناسی می‌باشد لذا مطالعه آن امر مهم و ضروری است.

با توجه به ویژگی‌های جامعه ایران به نظر می‌رسد که مهم‌ترین و نیرومندترین نهاد مؤثر در شکل‌گیری مشارکت‌های اجتماعی، می‌تواند نهاد دین باشد. زیرا در دین اسلام آموزه‌های دینی بر رفتارهایی تأکید دارند که زمینه و بستر شکل‌گیری مشارکت‌های اجتماعی را فراهم می‌آورند و در ایران که جامعه‌ای در حال گذار است توجه به این منبع مؤثر و رابطه آن با مشارکت اجتماعی از ضروریات علمی است. با در نظر گرفتن موارد ذکر شده در فوق و با توجه به نقش و اهمیت دین و دینداری در همبستگی و انسجام اجتماعی، ضرورت این امر ایجاد شد تا در این پژوهش تا به بررسی دین و دینداری و تاثیر آن در همبستگی اجتماعی در شهر تهران بپردازیم. از آنجا که هیچ نظام اجتماعی بدون مذهب کارکرد مناسب و همبستگی اجتماعی ندارد و کشوری مثل ایران که نظام سیاسی آن آمیخته با دین دارد و همواره در حال سپری کردن یکی از مراحل مهم تاریخی خود می‌باشد و با توجه به نظام سیاسی حاکم دولت که دین به عنوان زیربنای اصلی می‌باشد و اگر در آن خللی ایجاد شود امکان دارد که موجودیت نظام و نیز ساختار

جامعه و اخلاق حاکم بر افراد با مشکل جدی مواجه شود. بر آن اساس سعی کرده ام به بررسی رابطه جامعه شناختی دینداری و همبستگی اجتماعی در شهر تهران مورد آزمون قرار دهیم و اثرات مؤلفه‌هایی چون، بعد اعتقادی، بعد مناسکی، بعد تجربی و ... را بسنجیم. هدف اصلی تحقیق عبارت است از: بررسی رابطه دینداری بر همبستگی اجتماعی و اهداف فرعی عبارتند از:

بررسی رابطه بعد اعتقادی دینداری بر همبستگی اجتماعی.

بررسی رابطه بعد عاطفی دینداری بر همبستگی اجتماعی.

بررسی رابطه بعد پیامدی دینداری بر همبستگی اجتماعی.

بررسی رابطه بعد مناسکی دینداری بر همبستگی اجتماعی.

ملاحظات نظری

در زمینه دینداری و تأثیر آن بر همبستگی اجتماعی پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است که در ادامه به صورت خلاصه به چند پژوهش در این زمینه اشاره خواهد شد.

حسامی (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان "همبستگی اجتماعی در قرآن" با رویکرد تحلیلی و توصیفی، به واکاوی مفهوم همبستگی اجتماعی در قرآن پرداخت. وی در تحقیق خود بیان نمود که شاید اولین بار دورکیم مفهوم همبستگی اجتماعی را وارد جامعه شناسی کرد. وی از درون تقسیم کار در نظام اجتماعی، مفهوم همبستگی اجتماعی را به دست آورد. دورکیم دستگاه مفهومی و تحلیلی خاصی را طراحی می‌کند که اضلاع چهارگانه آن عبارتند از: تقسیم کار اجتماعی، وجدان جمعی، همبستگی اجتماعی و حقوق. از سوی دیگر، قرآن کریم ضمن پاس داشت همبستگی اجتماعی، نقطه عزیمت متفاوتی را برمی‌گزیند تا به جای دستگاهی لِرزان بر بنیان‌های اعتباری، نظریه خود در این باره را بر شالوده‌های فطری و تکوینی استوار سازد. قرآن کریم، اصلی‌ترین عامل همبستگی را دین الهی قرار می‌دهد که ریشه آن فطری و تکوینی است. همچنین از مؤلفه‌های تکوینی و اجتماعی دیگری همچون روابط خانواده و خویشاوندی، نام می‌برد. هر چند هیچ یک از این عوامل اجتماعی نمی‌تواند در تراز اسلام و ایمان به خدای واحد قرار گیرد. وی در نتیجه تحقیق خود اظهار کرد که همبستگی اجتماعی از نظر دورکیم، تک عاملی بوده و بر تقسیم کار اجتماعی مبتنی است. از این رو، تغییر و دگرگونی در نظام تقسیم کار، که امری اجتناب‌ناپذیر است، بر نوع، شدت و ضعف همبستگی مؤثر واقع می‌شود و آن را نیز متحول می‌سازد. وابستگی نظام حقوقی، به نوع همبستگی اجتماعی نیز تحت تأثیر

تغییرات آن متحول می‌شود. سیاست‌های حاکم بر نظام حقوقی تنبیهی رنگ می‌بازد و سیاست‌های حاکم بر نظام حقوق ترمیمی، جای آن را می‌گیرد. در مقابل، همبستگی اجتماعی مورد نظر قرآن کریم، بر پایه‌های تغییرناپذیر توحیدی که امری فطری و تغییرناپذیر است، استوار است. مبنای توحیدی و فطری همبستگی اجتماعی در قرآن، نه در محدوده زمانی محصور می‌شود و نه در تنگناهای مرزهای جغرافیائی. از این رو، مواردی از هنجارها و قواعد حقوقی برآمده از ارزش‌های ثابت و استوار، همواره ثابت خواهند بود. مواردی هم که بر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و قواعد حقوقی مبتنی بر عرف و قراردادهای اجتماعی تنظیم شده‌اند، با تغییر و دگرگونی روبرو خواهند بود. تکیه همبستگی اجتماعی مورد نظر قرآن کریم بر امور فطری و تکوینی، مشترک بین همه انسان‌ها، علاوه بر وجه ماندگاری آن، از عمق خاصی نیز برخوردار است و از آن با تعبیر ویژه‌ای همچون «الف» و «برادری» یاد شده است. با وجود اشتراک در خالق واحد، مبدأ و معاد نیز مشترک شده و با وجود این اشتراکات عمیق، تفاوت‌ها نمی‌تواند به گونه‌ای رخ‌نمایی کند که تبدیل به اختلاف و نزاع شود. طبعاً اختلافات و نزاع‌ها نیز با همین معیار ارزیابی می‌شود. تأکید بر اشتراکات فطری و گذر از تفاوت‌های موجود میان انسان‌های دوره‌های متفاوت زمانی و جغرافیای فرهنگی و سرزمینی، زمینه را برای اندیشه جهانی و در نتیجه، شکل‌گیری «امت واحد» فراهم می‌سازد. قرآن از همه انسان‌ها دعوت می‌کند تا در یک زیست‌مؤمنانه و مسالمت‌آمیز، به جای نگاهی ستیزه‌جویانه، در اندیشه طراحی‌الگو و مدلی برای تعامل باشند که برآیند آن، افزایش توان حرکت به سوی هدف مطلوب، متعالی و مشترک بندگی خدا باشد.

یزدی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان "نقش نهاد دین در همبستگی اجتماعی" به بررسی اهمیت و تاثیر دین در همبستگی اجتماعی پرداخت. وی در تحقیق خود بیان نمود که هیچ‌یک از نهادهای اجتماعی نتوانسته به اندازه نهاد دین در ایجاد، تقویت و ماندگاری همبستگی اجتماعی نقش داشته باشد. امروزه دسترسی آسان به اطلاعات فراوان از طریق رسانه‌های متفاوت باعث شده نسل نو در برابر منابع گوناگون فرهنگی به اشکال مختلف اجتماعی شود و تفاوت‌های فرهنگی و نگرشی در بین آنان نسبت به گذشته به شکل چشمگیری افزایش پیدا کند و با گسترش تکنولوژی هر روز بر دامنه و وسعت آن افزوده می‌شود، به گونه‌ای که یکپارچگی فرهنگی و اجتماعی در میان این نسل بشدت در خطر خدشه‌دار شدن است. از میان نهادهای مختلف جامعه، نهاد دین در مقابله با این پدیده نقشی سترگ بر عهده دارد و ظرفیت

کافی را برای ایجاد تعادل در این زمینه داراست. یکی از کارکردهای مهم نهاد دین ایجاد انسجام اجتماعی است. این نهاد با ارائه دستورات مشخص از یک سو آحاد جامعه را به شیوه ای خاص اجتماعی می کند و آنان از طریق ارائه یک الگوی روشن و با چارچوب تربیتی، شخصیت سازی می شوند و با درونی کردن ارزش ها و هنجارهای دینی بخش وسیعی از افراد جامعه با الگوی ارائه شده از سوی نهاد دین مومن می شوند و از سوی دیگر بدون نیاز به کنترل بیرونی نهاد دین، رفتار آنان را بر مبنای قواعد دینی تنظیم می کند و با ایجاد همسانی نسبی، انسجام اجتماعی را به وجود می آورد. انسجام اجتماعی در حقیقت نقش ملات را در ساختمان ایفا می کند و به هم چسبندگی و دوام ساختمان جامعه را فراهم می سازد. انسجام اجتماعی از چند دستگی در جامعه پیشگیری کرده و تداوم حیات اجتماعی را تضمین می کند، نهاد دین از طریق انجام مناسک دینی و عبادات گروهی و جمعی همواره در حال بازتولید انسجام اجتماعی است، در حقیقت یکپارچگی و وحدت اجتماعی یکی از دستاوردهای مهم نهاد دین است.

آقایی (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان "آموزه های قرآن کریم و نقد نظریه دورکیم مبانی نظریه دین و همبستگی اجتماعی" به بررسی نقش و تأثیر دین در همبستگی اجتماعی پرداخت. وی در نتیجه تحقیق خود بیان کرد که در بررسی دیدگاه قرآن کریم و نظریه همبستگی اجتماعی در جامعه شناسی، به نظر می رسد فاصله قابل توجهی بین دیدگاه قرآن کریم و نظریه جامعه شناسی در باب دین و همبستگی اجتماعی وجود دارد. با توجه به مبانی انسان شناسی، معرفت شناسی، هستی شناسی و روش شناسی در نگاه قرآن کریم، علاوه بر این که جنبه های این جهانی حیات انسانی مورد توجه است، هدف و جهت گیری آن به سمت امور غیر مادی و جهان دیگر نیز مورد تأکید است که بیان و تشریح چنین تبیینی، در توان علم جامعه شناسی نیست. این تبیین، نه تنها جامعیت قرآن ثابت می شود، بلکه نشانگر عمق دیدگاه قرآن و توجه به جامعه به عنوان بستر اصلی شکل گیری رفتارها و وابستگی آن به ارزیابی های آن جهانی است. این امر خود نوید جامع نگری قرآن کریم به مسائل جامعه بشری و تحلیل قواعد و قوالب حاکم بر رفتارهای اوست. در این نگاه، ضمن تأکید بر رابطه تنگاتنگ حیات اجتماعی بشر با خالق هستی و محوریت انسانی، که به عنوان اشرف مخلوقات است، بر هدفداری حیات او و تعیین خطوط اصلی آن توسط وحی، تأکید شده و بر مسیر زندگی او به سوی خدای واحد متعالی که به او حیات فردی و اجتماعی عطا کرده و خواهان سیر واقعی او با معرفتی همه جانبه به سوی اوست، تأکید شده است.

اصغری (۱۳۸۵) در تحقیقی با عنوان "شناخت کارکرد دین و تأثیر آن بر احیای ارزش‌ها از منظر شهید مطهری" به بررسی کارکردهای دین پرداخت که یکی از این کارکردها همبستگی و انسجام اجتماعی بوده است. وی در تحقیق خود بیان نمود که جامعه‌شناسان معاصر در تکمیل نظریات دورکیم، در رابطه با نقش مذهب و کارکردهای اجتماعی آن، چهار کارکرد را برای مذهب برشمرده‌اند که این کارکردها عبارتند از: ۱. همبستگی اجتماعی (مذهب با به هم پیوستن پیروان خود به یکدیگر، به وسیله انجام مراسم گوناگون و ایجاد ارزش‌های مشترک در میان آنها، سبب وحدت جامعه می‌گردد)، ۲. معنابخشی به زندگی (بی‌تردید انسان‌ها دائماً این نیاز را در خود احساس می‌کنند که از هر طریق ممکن بتوانند به زندگی خود معنا دهند، و می‌توان گفت پاسخ‌گویی به این نیاز در اختیار مذهب است)، ۳. کنترل اجتماعی (از آنجا که بیشترین ارزش‌ها و مهم‌ترین هنجارهای اجتماعی در حیطه و قلمرو مذهب قرار دارد، مذهب نقش اساسی را از طریق تقویت ارزش‌ها و هنجارهای مهم در جهت کنترل اجتماعی افراد دارد) و ۴. حمایت روانی (مذهب انسان‌ها را در دنیای ناامنی‌ها مورد حمایت عاطفی خود قرار داده، در حوادث مهم زندگی به آنها یاری می‌رساند).

کاربو (۲۰۱۳) در تحقیقی با عنوان "دین و همبستگی اجتماعی در اتیوپی" به بررسی نقش دین در همبستگی اجتماعی در اتیوپی پرداخت. وی در تحقق خود عنوان نمود که اتیوپی سرزمینی است با فرهنگ‌ها، ادیان و اعتقادات مختلف. این کشور ساختارهای سیاسی متعددی را با ترکیب نتایج مختلفی تجربه نموده است. تغییر ساختار اخیر به صورت ایالت‌های فدرال، دین، اعتقادات و ماهیت ایالت‌های فدرال در در تقابل با هم قرار داده است. همانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه، اتیوپی نیز با چالش مدیریت ادیان و مذاهب مختلف روبرو گشته است. رویدادهای اخیر (در چند سال گذشته) نشانگر تنش‌های رو به افزایشی در میان دولت و اسلام از یک طرف و اسلام و مسیحیت از طرف دیگر شده است. کاربو در تحقیق خود به بررسی نقش دین در اتیوپی به عنوان فاکتور همبستگی اجتماعی پرداخت. نتایج تحقیق وی نشان داد که همبستگی اجتماعی تنها می‌تواند از طریق تشویق و تقویت همکاری مذاهب و همکاری و مشارکت مقامات دولت فدرال و ایالتی به دست آید.

اشمیت (۲۰۱۰) در تحقیقی با عنوان "کاهش در همبستگی اجتماعی در هلند؟ مشارکت و واقعیت" به بررسی نقش دین و تنوع مذهبی در همبستگی اجتماعی پرداخت. وی در تحقیق خود بیان کرد که در هلند، موضوعات مربوط به سرمایه اجتماعی و همبستگی از موضوعات

مهم سیاسی می‌باشند. موضوعاتی مانند ادغام فرهنگی، نقش اسلام و اثر آن بر زندگی اجتماعی، اثر تنوع مذهبی بر همبستگی اجتماعی همسایگان و نگرانی‌ها در مورد فقدان اتحاد و همبستگی جزء مسائل و خبرهای هر روزه می‌باشند. در نتیجه، تقاضایی برای اطلاعات آماری در زمینه کاهش همبستگی اجتماعی وجود دارد. همگام با این توسعه، اداره آمار هلند برنامه تحقیقات را در زمینه همبستگی اجتماعی در سال ۲۰۰۸ انجام داد و چارچوبی را با سه بعد معرفی نمود: ۱. مشارکت ۲. اعتماد ۳. همبستگی. نتایج تحقیق به طور کلی نشان داد که سطوح مشارکت و اعتماد تا اندازه ایی افزایش یافت با این حال تفاوت معنی داری بین زیرگروه‌های جمعیتی وجود دارد. مردمی با سطوح آموزشی بالاتر نسبت به افرادی با سطوح آموزشی پایین‌تر میزان مشارکت بیشتری را نشان می‌دهند. همچنین نتایج تحقیق نشان داد که امتیاز بستر در جنبه‌های مختلف همبستگی اجتماعی در میان گروه‌های مذهبی بیشتر از گروه‌های غیر مذهبی می‌باشد.

لگر (۲۰۰۳) در تحقیق با عنوان "نقش دین در ایجاد همبستگی اجتماعی" به بررسی عملکرد و نقش دین در همبستگی اجتماعی در اروپا پرداخت. وی در تحقیق خود بیان نمود که با بزرگ شدن اتحادیه اروپا مناسب است تا نقش دین را در ایجاد همبستگی اجتماعی و خلق هویت اروپایی مد نظر قرار داد. وی این سوال را مطرح می‌کند که آیا در اساسنامه آتی اتحادیه اروپا آیا می‌بایست به دین به عنوان میراث مذهبی اروپا توجه نمود. از نظر وی دین از عناصر اصلی و عمده یکپارچگی و گستردگی عمل متقابل اعضای جامعه و گروه با یکدیگر است. در نتیجه، هر چه اعضای جامعه متکی به یک رشته تجلی‌های نمادین و مفروضات مشترک درباره جهان پیرامون خود باشند، می‌توانند وحدت اخلاقی را حفظ و تضمین نمایند. یعنی هرچه اعتقاد یک جامعه و گروه مذهبی نیرومندتر باشد، آن مجموعه یکپارچه‌تر است. از این‌رو، بهتر می‌تواند محیطی فراهم سازد که اعضای آن در آن محیط، از تجربه آزار دهنده و ناامید کننده گسست اجتماعی در امان باشند.

در ادامه به طور دقیق‌تر به آرای برخی از نظریه پردازان همبستگی اجتماعی می‌پردازم. **امیل دورکیم:** مفهوم همبستگی دورکیم، تصویری از جامعه ارائه می‌کند که در آن، گروه‌ها و افراد به هم پیوسته اند و به طور منظم الگو بندی شد. کمابیش پیش بینی ناپذیر، کنش متقابل دارند. برای روشن شدن این مفهوم می‌توان از مفهوم تقریباً متضاد آن، یعنی مفهوم (آنومی) استفاده کرد. آنومی وضعیتی که در آن، قواعد اجتماعی (هنجارها) برای کنشگران الزامی نیست

و مطلوبیتی ندارند. به عبارت دیگر، آنومی به هم ریختگی یا آشفتگی است (وجدان جمعی) یا مشترک است و چون آنومی امری مربوط به وجدان جمعی است، جامعه و فرد همزمان از آن رنج می‌برند. این رنج بردن حاکی از آن است که آنومی نه تنها وجدان جمعی که وجدان فردی را نیز متأثر می‌سازد. از این رو، آنومی پدیده‌ای در آن واحد جمعی فردی است. دورکیم در این تعریف اخلاق می‌گوید: اخلاق عبارت است از آگاهی به حالت وابستگی، بنابراین آنومی حالتی است که در آن، این آگاهی و شعور و وجدان نسبت به وابسته بودن به دیگران، آسیب می‌بیند (رجب‌زاده و کوثری، ۱۳۸۱: ۳۴). مطابق با نظر دورکیم، انواع همبستگی اجتماعی با انواع جامعه ارتباط دارد. در جوامع ساده انسجام معمولاً بر پایه‌های خویشاوندی، ارتباطات مکانیکی و یا فامیلی استوار است. اما در جوامع پیچیده تر انسجام بیشتر ارگانیکی است. وازه ای ارگانیک در اینجا به وابستگی متقابل اجزاء تشکیل دهنده اشاره دارد. از این رو در جوامع پیچیده از طریق وابستگی متقابل افراد و نقش‌هایش به دست می‌آید و حفظ می‌شود (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۷۸: ۱۹).

اما در جوامع پیچیده تر وضعیت کاملاً متفاوت است. در این جوامع همبستگی اجتماعی از تفاوت‌ها ناشی می‌شود. بدین معنا با افزایش جمعیت و لزوم تقسیم کار، مشاغل و حرفه‌های جدید در جامعه به وجود می‌آیند که کاملاً تخصصی هستند. افراد هر کدام به حرفه و کاری مشغولند و نمی‌توانند نیازهای خود را به تنهایی تامین کنند. آنها برای ادامه حیات به یکدیگر وابسته اند و می‌باید با یکدیگر همکاری کنند این وابستگی متقابل، از نوع اقتصادی است. در اینجا افراد، دیگر به لحاظ زندگی اقتصادی و نظام اقتصادی با یکدیگر تشبه زیادی ندارند، بلکه با یکدیگر متفاوت نیز هستند. البته تنها وابستگی اقتصادی نیست که افراد را به یکدیگر متحد می‌سازند بلکه نوعی وجدان جمعی است نیز وجود دارد که نسبت به وجدان جمعی در جوامع ابتدایی بسیار ضعیف تر است و عمدتاً از دین ناشی نمی‌شود (دورکیم، ۱۳۸۱: ۱۹۹).

به تعبیر دورکیم، نیاز احساس و نیاز رفتاری بیش از آنکه از یک بنای خاص و دارای یک کارکرد خاص باشد، بیشتر مکمل یکدیگر هستند. تعبیر دورکیم مبنی بر شکل‌گیری نوع جدیدی از همبستگی اجتماعی در فرآیند تحول اجتماعی به این معنی نیست که همبستگی جدید کاملاً جایگزین شده شیوه پیشین گردد. بلکه همبستگی پیشین کارکرد جدیدی می‌یابد و به عنوان مکمل همبستگی جدید عمل می‌کند، به همین دلیل، این نوع نهاد‌های اجتماعی، همچنان اهمیت خود را حفظ خواهند کرد، همچنان که دورکیم معتقد است افراد تنها برای

دفاع از منافع مشترک متحد نمی‌شوند، بلکه به خاطر (نفس) اتحاد با یکدیگر و به خاطر این است که در بین رقبای دیگر تنها نباشد، و از لذت همدلی و یگانگی با دیگران بهره مند شوند و زندگی اخلاقی احدی با یکدیگر باشند (دورکیم، ۱۳۸۱: ۲۱).

تالکوت پارسونز: از دیدگاه پارسونز نیز انسجام یکی از ابعاد نظام اجتماعی است. وی چهار شکل کارکردی عام را برای نظم‌های اجتماعی در هر سطحی مطرح می‌کند: ۱. مسأله انطباق با محیط ۲. مسأله تحلیل هدف ۳. مسأله انسجام ۴. مسأله حفظ انگارهای فرهنگی.

در آثار اولیه پارسونز مفهوم ارزش‌های متعالی و برداشت دورکیم از فرهنگ، به مثابه کنشی که به میانجی‌گری نماد صورت می‌گیرد، گسترش یافت. پارسونز نظریه‌ای ارائه کرد که در آن اصل کنش با درونی‌سازی ارزش‌های فرهنگی با تکیه به عنصر کنش در ایجاد نظم اجتماعی پیوندی نزدیک دارد. مسأله انسجام با تکیه بر هسته‌ای از ارزش‌ها و هنجارهای مشترک که حل می‌گردد. گاه به واسطه عامل‌های اجتماعی به عنوان امر مشروع پذیرفته می‌شود و آثار بعدی، کنش (پارسونز) به طور فزاینده‌ای تحت تاثیر نظریه سیستم‌ها قرار گرفت؛ که در آن عنصر اراده‌گر به نفع الگوهای کلان کارکردگرایانه ساختاری کم‌رنگ شد. در حالی که در ساخت کنش اجتماعی، واحد کنش، نقطه شروع کار پارسونز بود، نظام تجربی و ساخت اجتماعی کلان نقطه عزیمت او را در آثار کارکردگرایانه ساختاری تشکیل می‌دهند. که برخلاف و ادغام انگیزه کنشگران با استانداردهای فرهنگی هنجاری که نظام کنش را منسجم می‌سازند تأکید دارند (پارسونز، به نقل از صالحی امیری، ۱۳۸۸: ۱۰۷).

تالکوت پارسونز در نظریه مبادله و نقش اجتماعی جامعه‌ای (نهاد انسجام بخش)، معتقد است که هر چه هنجارها و قواعد اجتماعی بیشتر مورد پذیرش قرار گیرد. آن اجتماع از نفوذ بیشتری برخوردار است. هرچه پذیرش هنجارها و نفوذ در اجتماع بیشتر باشد، همبستگی و اجتماع میان افراد بیشتر خواهد بود. به نظر وی، این نظام مبادله نمی‌تواند بدون واسطه یا میانجی (متعهد، التزام و نفوذ که موجب سهولت در ارتباط و مبادله می‌شود، به حیات خود ادامه دهد (ملکی، ۱۳۸۶: ۱۲۷)

هرچه وفاداری و التزام به قواعد حقوق بیشتر، نظم و همبستگی بهتر و بیشتر و بالعکس، حقوق و قوانین و نمادهای حقوقی (نمادهای اجتماع جامعه‌ای) وظیفه ایجاد همبستگی و انسجام را در بین اعضاء برعهده دارد (توسلی، ۱۳۷۶: ۲۵).

برخی جامعه شناسان نیز همبستگی و انسجام را از دیدگاه مسأله اجتماعی نظم کلان و به تأسی از پارسونز در چارچوب اجیل مورد تحقیق قرار داده و معتقدند نظم کلان جامعه با چهار مشکل اساسی روبروست:

۱. تفاهم نمادی: شامل وجود شناسی و استانداردهای شناختی و فلسفه وجود مشترک، هویت، مرجع قانونی مشترک و تفاهم اجتماعی و ارزش (نظم جامعه ای بدون چاروچب نمادی مشترک غیر قابل تصور است).

۲. تنظیم اجتماعی: (هویت های متفاوتی با مرزهای فرهنگی مربوط، نیاز به تنظیم اساسی دارند). تعاملات بین گروهی به تعمیم وابستگی عاطفی و تعهد درونی افراد و تجربه ارزش برای نظام فرهنگی جامعه منجر می شود. تعاملات درون گروهی موجب کاهش انسجام عام و تفاهم بین گروهی سبب تقویت انسجام کل و استقلال در انسجام عمل می گردد.

۳. تنظیم سیاسی: تفاوت بیرونی شامل میزان مشروعیت قواعد بازی از سوی اکثریت و میزان پذیرش قواعد برای اعمال قدرت از سوی اکثریت. اعتماد اجتماعی نسبت به دارندگان و بازیگران قدرت و میزان اطمینان به بازیگران صحنه دولت.

۴. در بیان تعمیمی ساختاری: با طرح مسأله ادخال اجتماعی، به اهمیت هویت جمعی نسبت به سایر هویت ها در اثر روابط متقابل و سازنده اشاره و به مرجع بودن نظام فرهنگی عام برای خرده فرهنگ ها و تعمیم ارزش می پردازد (چلبی، ۱۳۸۴: ۳۰).

آنان معتقدند که بروز اختلال اجتماعی در این ابعاد، سبب کاهش انسجام و وفاق اجتماعی می گردد.

دیدگاه جانانان ترنز: ترنز (۱۹۹۰) در تلاش تحسین برانگیز برای ارائه یک نظریه عمومی دینامیزمیم ساختاری، سه فرآیند ژنویک را جزء خصائل عام هر جهان اجتماعی می داند. این فرآیندها عبارتند از فرآیند تجمع، فرآیند تفکیک و فرآیند انسجام. ترنز تحت تأثیر دورکیم انسجام را فرآیند سازمان دهنده نظم اجتماعی می داند که واحدهای اجتماعی جدا از هم را با یکدیگر مرتبط می سازد.

به نظر می رسد که برای ترنز یکی از مسائل اساسی نظم اجتماعی "انسجام اجتماعی" می باشد. فرآیند انسجام اجتماعی را در سه مرحله مطرح می نماید برای هر عدد سه انگاره متغیر مربوط به هم می بیند: اولین فرآیند انسجام اجتماعی بین کنشگران اجتماعی، هماهنگی ساختاری ایجاد می نماید و سه شکل احساس مرتبط به هم به خود می گیرد:

۱. میزان ادخال ساختاری (واحدهای داخل، واحدهای جامع تر).
 ۲. میزان وابستگی متقابل (میزان وابستگی متقابل واحدها در عملیاتشان نسبت به یکدیگر).
 ۳. میزان عضویت مشترک ساختاری (میزان عضویت مشترک واحدها).
- دومین فرآیند انسجام اجتماعی، وحدت نمادی، بین کنشگران اجتماعی با مراجعه به هیئت مشترک نمادها است که سه شکل اساسی به خود می گیرد:
۱. میزان وفاق روی نمادهای ارزشیابی ۲. میزان وفاداری ۳. تحکیم سیاسی یا تنظیم روابط مابین کنشگران توسط کنشگران بیرونی است که حائز قدرت اند (چلبی، ۱۳۸۲: ۱۴).
- در قالب وحدت نمادین یا وحدت فرهنگی این فرآیند انسجام در سه نوع طبقه بندی می شود که عبارتند از: ۱. هماهنگی ساختاری و کارکردی بین کنشگران و میزان که اهداف و فعالیت های اجتماعی پشتیبان یکدیگرند. ۲. وحدت نمادین بین کنشگران بر پایه شکل گیری اهداف و فعالیت حول قالب های فرهنگی و نمادین مشترک، وحدت نمادین به چهار بعد اساسی نیازمند است: وحدت شناختی، کانونی، اجتماعی، هنجاری و ارزش اخلاقی ۳. ثبات سیاسی بر پایه نوع و میزانی که اهداف و فعالیت های واحدهای اجتماعی توسط کنشگران بیرونی صاحب قدرت با استفاده از قانون گذاری یا ابزارهای اجبار تنظیم می شود (کشاورز، ۱۳۷۹: ۱۴۱).
- ابن خلدون:** بررسی موضوع همبستگی اجتماعی و اخلاق در شهرها و دلایل کاهش یا افزایش آن از حیث نظری و تجربی از یک سیر تاریخی نه چندان طولانی برخوردار است. شاید بتوان گفت صرف نظر از پاره ای از اشارات تاریخی و اجتماعی در میان آثار فلاسفه یونانی و نیز مورخان مسلمان، ابن خلدون برای نخستین بار به وجهی عالمانه و نقادانه موضوع انتقال از نواحی بادیه به شهر یا حضارت را محور بررسی قرار داد.
- در صدد برآمده که دلایل کاهش همبستگی اجتماعی و اخلاق را در مناطق شهری مورد مطالعه علمی قرار دهد ابن خلدون در بررسی جامعه خود عوامل متعددی را پیش فرض اساسی در تبیین از موضوع و رواج فرهنگ تخریب روابط انسانی و جایگزین شدن الگوهای جدید از منافع و درخواستهای شخصی در شهرها را مورد کنکاش قرار می دهد. در نظر ابن خلدون تمایل شهروندان به سوی منافع شخصی و سوداگرانه غفلت از حمایت های مشترک از یکدیگر، کاهش احساس مشترک در قبال عوارض محیطی، افزایش رفاه و ناملایمت های اجتماعی و مهمتر از همه کاهش عصبیت و یا همان پیوستگی های قومی، گروهی و جمعی عبارتند از:

ماهیت زندگی مدنی در شهرها، فزونی جمعیت و رویارویی متعدد شهرنشینان و رشد فرهنگ رفاه و تن آسایی و رواج اندیشه خود خواهانه برخواسته از فرهنگ شکوه و جلال شهری (ابن خلدون، ۱۳۶۲: ۲۲۷).

دیدگاه الستر: در بررسی نظم اجتماعی، الستر (۱۹۹۰) نیز براساس گرایش فردگرایی روان شناختی دو نوع اختلال اجتماعی را از هم تمیز می دهد. در واقع این دو نوع اختلال اجتماعی مبتنی از دو پنداشت از نظم اجتماعی است. نظم اجتماعی عبارتند از: افکارهای منظم و پیش بینی پذیری رفتار و رفتار تعاون، براساس این دو مفهوم نظم اجتماعی دو، نوع اختلال اجتماعی، بی نظمی اجتماعی مطرح می شود: ۱. فقدان پیش بینی پذیری رفتار ۲. فقدان تعاون؛ به نظر الستر پیش بینی رفتار کارگزاران در وضعیتی ممکن است که در آن هیچ کارگزاری انگیزه ای برای تفاوت عمل کردن نداشته باشد. چنین وضعیتی را الستر وضعیت تعادلی می نامد به عبارت دیگر وضعیتی که در آن یک تعادل وجود داشته باشد. وی سه دلیل را برای شکست در پیش بینی رفتارها ملاحظه می کند: اول: اینکه بعضی از وضعیتها فاقد تعادل هستند. دوم: بعضی وضعیتها دارای تعادل چند گانه هستند و بالاخره سوم: در بعضی از وضعیتها تعادلها بی ثبات و ناپدیدار هستند. کانون توجه الستر بیشتر روی اختلال نوع دوم، یعنی فقدان تعادل هستند.

پنج نوع عمده تعاون (همکاری): خارجیت، یاری، میثاق، خطر مشترک و تنظیم مشخص از هم تمییز داده می شود. در اینجا تنها لازم است به این نکته بسنده شود که در تحلیل نهایی از نظر الستر راه حل هر دو شکل عمده نظم اجتماعی یعنی عدم پیش بینی پذیری رفتار و فقدان همکاری تا حد هنجار اجتماعی نهفته است. در همان ابتدای کتاب خود می گوید هنجارهای اجتماعی پیش بینی پذیری را خارج از تعادل تامین می کند (توسلی، ۱۳۷۶: ۲۹۳).

مفهوم دین و همبستگی در قرآن: پس از بررسی و مرور مبانی نظریه دورکیم به مفهوم شناسی دین از منظر قرآن کریم، می پردازیم.

واژه «دین» در قرآن ۹۳ بار به صورت اسم (مضاف و غیرمضاف) و سه بار هم به صورت غیراسمی و به معانی گوناگون آمده است:

۱. آیین: ۶۵ مورد به کار رفته که ۶۳ مورد آن به صورت اسمی است و دو مورد آن به صورت فعل آمده است (طباطبایی، ۱۳۶۷).

۲. اطاعت: ۱۰ مورد در قرآن آمده است (کریمی، ۱۳۸۵)

۳. جزا و پاداش: ۱۹ مورد در قرآن کریم آمده است (کوزر، ۱۳۷۰).

هرچند بهترین و نزدیک ترین مسیر برای تعریف دین و راه یافتن به معنای صحیح آن مراجعه به قرآن کریم و اخذ معنای آن از آن است، اما در تبیین معنای اصطلاحی قرآن کریم از دین، مراجعه به منابع و متون دینی، که معمولاً برگرفته از آیات و روایات است نیز مفید به نظر می‌رسد.

۱. مجموعه اعتقاد و احکام که از سوی خداوند فرستاده شده است. بر این اساس، دین داری دو رکن است: ۱. اعتقاد به خدای واحد و معاد. ۲. برنامه حرکت به سمت هدف که شامل مجموعه احکام، تکالیف، اخلاقیات و احکام فقهی است (مصباح، ۱۳۷۸).

۲. تدین: بر این اساس، دین اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان و انسان و دستورهای عملی متناسب با این اعتقاد است (مصباح‌یزدی، ۱۳۶۸).

در نتیجه، شاید بتوان گفت: دین، مجموعه حقایق و ارزش‌هایی است که از راه وحی و به وسیله کتاب و سنت برای هدایت انسان‌ها به دست بشر رسیده است.

مفهوم همبستگی در قرآن: با توجه به آنچه در بخش مبانی فکری دورکیم و تعریف همبستگی از وی آمد، این مبانی و مفهوم را از منظر قرآن کریم مرور می‌کنیم تا زمینه مناسب برای نقد اجمالی آنها از دیدگاه قرآن فراهم آید.

صریح‌ترین آیه‌ای که به موضوع همبستگی اجتماعی اشاره دارد، آیه ۱۰۳ سوره آل عمران است. در این آیه، هیچ یک از ویژگی‌های انسانی از جمله مشترکات قومی، خونی، نژادی، زبانی و ... به عنوان عامل همبستگی شناخته نشده است (مدرسی، ۱۴۱۹: ۲۵۰). زیرا هیچ یک از این ویژگی‌ها برخاسته از فطرت مشترک همه انسان‌ها نیست. در نتیجه، هرچند در مواردی موجب هم‌گرایی و جمع کردن عده‌ای می‌شود، اما عده بیشتری را خارج می‌کند. این امر خود، عامل گسست و جدایی می‌شود (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۳۰۳). عاملی که در این آیه، مورد تأکید قرار گرفته است، پیروی عقیدتی و التزام عملی به دین اسلام است و از همگی خواسته است که به ریسمان الهی چنگ زده و از هرگونه تفرقه پرهیز کنند.

نکته مهم در این آیه، این است که از مسلمانان خواسته شده، همگی به صورت همبسته و در قالب امت اسلامی بر محور دین اسلام و آموزه‌های آن، به صورت یک اجتماع واحد جمع شوند و به ریسمان الهی چنگ بزنند، نه آنکه هر یک از آنها به صورت جداگانه و فردی مؤمن شوند و ایمان بیاورند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶۵).

در ادامه، یعنی آیات ۱۰۴ و ۱۰۵ آل عمران، به دو نکته دیگر در باب همبستگی مسلمانان اشاره شده است. یکی آنکه، مسلمانان پس از اسلام آوردنشان، آثار خوب بندگی خدا را مشاهده کرده اند. اسلام اختلافات آنها و قتل و غارت، که عامل گسست اجتماعی است، را از میان آنها برداشت و به جای آن، اتحاد و یکپارچگی را در میان آنان ایجاد و رواج داد. نکته دیگر آنکه، از مسلمانان خواسته شده تا با دعوت دیگران به اسلام، زمینه اتحاد و همبستگی را در میان آنها ایجاد کرده، از اختلاف دوری نمایند. و با این کار، زمینه توسعه همبستگی را فراهم نموده، و در امت بزرگ اسلامی قرار گیرند، در نتیجه، از مزایای متفاوت مسلمانی بهره مند شوند.

سیدقطب، درخصوص همبستگی اجتماعی ناشی از اسلام، به این نکته اشاره کرد که این همبستگی همراه با تألیف قلوب بوده، و این نوع همبستگی و اتحاد از عمق قابل توجهی برخوردار است و ماندگاری آن بیش از انواع دیگر است (شاذلی، ۱۴۱۲: ۴۳۲). وی از همین آیه استفاده می کند که این نوع وحدت و همبستگی اجتماعی، می بایست فراگیر شده و در راستای شکل گیری جامعه جهانی باشد. طبعاً امر به معروف و نهی از منکر، که لازمه جهانی شدن اسلام است، در عرصه بین الملل، نیازمند تشکیل یک حکومت مقتدر و یک سلطه قابل قبول است. بنابراین، از این آیه می توان همبستگی اجتماعی در سطح بین الملل را در راستای شکل گیری امت واحده اسلامی به دست آورد (شاذلی، ۱۴۱۲: ۴۴۴).

بقا و استمرار این وحدت و همبستگی اجتماعی، در گرو حفظ الگوهایی است که موجب پیدایش آن شده است. به همین دلیل، می بایست همواره بر فرآیند اجتماعی کردن و تقویت آن و نیز نظارت اجتماعی، متناسب با این ارزش ها تاکید داشت. از این رو، امر به معروف و نهی از منکر عامل مهم بقا و دوام همبستگی است (مدرسی، ۱۴۱۹: ۶۲۸).

آیات دیگری که به عوامل همبستگی اجتماعی در جامعه اشاره دارد، آیات ۲۳ تا ۲۵ سوره اسراء است. این آیات، به روابط عاطفی فرزندان با والدین و حفظ حریم آنان اشاره دارد. از آنجایی که هر یک از فرزندان، به طور معمول عضوی از یک خانواده هستند، همان گونه که از فرزندان خود احترام دریافت می کنند، به والدین خود احترام می گذارند. این رابطه عمیق و صمیمی از نوع مبادله غیر مستقیم نابرابر است که احتمال بقای بیشتری و تأثیرگذاری بهتری را به دنبال دارد.

علامه طباطبائی معتقد است: این نوع رابطه عاطفی، اگر در جامعه کم رنگ شود، جامعه انسانی متلاشی می شود (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۸۰). از این رو، نسل های آتی می بایست به نسل های

گذشته پیوند خورده، و از آنها حمایت نمایند. نکته ای که در این آیه قابل توجه است، اینکه از آنجایی که حمایت والدین از فرزندان ریشه در غریز و فطرت آدمی دارد، والدین به طور طبیعی و بدون نیاز به سفارش و تأکید از فرزندان خود حمایت می‌کنند. اما فرزندان ممکن است تحت تأثیر عوامل و شرایط متفاوتی، حمایت از والدین را به فراموشی بسپارند. از این رو، می‌بایست این امر به آنان یادآوری شده، به عنوان یک ارزش اجتماعی تلقی شده و هنجارهایی برای آن وضع گردد (شاذلی، ۲۲۱). با این تدبیرها؛ یعنی حمایت والدین از فرزندان، که ریشه در فطرت و غریزه دارد، به علاوه حمایت فرزندان از والدین، که به نوعی ریشه در ارزش‌های دینی و اخلاق دارد، در جامعه فراگیر شده و نهایتاً به یک ارزش اجتماعی تبدیل می‌شود: در نتیجه شکاف بین نسل‌ها به حداقل رسیده و مانع از آن می‌شود که تفاوت‌ها به گسست بین نسل‌ها، که خود مانعی برای همبستگی اجتماعی است، تبدیل شود. این امر، عاملی برای حفظ و استمرار همبستگی اجتماعی خواهد بود (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۴۷-۱۴۸). این ارتباط بین والدین و فرزندان خود نیز نباید مانع همبستگی کلان در سطح شکل‌گیری امت اسلامی، بر محور ایمان به خدا و انجام دستورات الهی شود؛ زیرا در آیات دیگری از قرآن کریم، به صراحت به این موضوع توجه شده و از آن برحذر داشته شده است (عنکبوت: ۸؛ لقمان: ۵؛ آل عمران: ۱۴). در همین زمینه، و به دلیل اینکه حمایت‌های اعضای جامعه از یکدیگر، به همبستگی اجتماعی آنان کمک کرده و به بقای آن نیز منجر می‌شود، در آیاتی از قرآن کریم نیز به این حمایت‌ها توجه شده است (اسراء: ۲۶؛ مائده: ۸۹؛ انسان: ۸؛ بقره: ۲۱۵؛ نساء: ۱۳۵).

همان‌گونه که بیان شد، خدای متعال عامل وحدت بخش را خود، و دین الهی و آسمانی اسلام می‌داند (انفال: ۶۳). این عامل همبستگی، علاوه بر پایداری و همیشگی بودن آن، به حدی قدرتمند خواهد بود که در میان معتقدان و مؤمنان، سایر انگیزه‌ها و عوامل اختلاف‌انگیز را تحت الشعاع قرار می‌دهد. در حالی که انسان‌ها به طور طبیعی، دارای خصوصیات و ویژگی‌هایی هستند که آمادگی انواع رقابت‌ها و دشمنی‌های سخت را دارند، ۴۵ که همواره واگرایی آنها را بیشتر می‌کند، خداوند متعال با فرستادن پیامبر (ص) و کتاب آسمانی خود، استعداد و زمینه‌های واگرایی‌ها را مهار کرده و در یک فرآیند زمانی و اعلان عقاید و احکام عملی دین اسلام، عده زیادی از مخالفان و رقبای همدیگر را متحد ساخته و همبسته نموده است (مدرسی، ۱۴۱۹: ۹۰).

علاوه بر آموزه های وحدت بخش اسلام و آیات قرآن کریم و تلاش های پیامبر اکرم (ص)، که همواره بر اتحاد و انسجام اجتماعی در پرتو عبودیت خدا تأکید شده است، در آیاتی از قرآن کریم، برخی اختلاف افکنی ها و ایجاد تفرقه ها را به برخی از پیروان سایر ادیان نسبت داده است. از جمله رویکردهای قرآن کریم، به حفظ و تقویت همبستگی اجتماعی، آیاتی است که ناظر به سیاست گذاری های نظام حقوقی اسلام در قرآن است. براساس این رویکرد، برخی از آیات با اعلان جریمه های سخت و تنبیه های متعدد و متفاوت در عرصه های مختلف، سیاست های پیشگیرانه خود را نشان می دهد. این سیاست موجب می شود که ضمن طراحی ساختارهای کنترل اجتماعی، انگیزه ها و تمایلات انجام جرائم را کاهش داده، از طریق کاهش جرم و کجروی، همبستگی اجتماعی را بر مدار التزام عملی به دستورات اسلام، تقویت نماید (بقره: ۱۷) و در کنار بیان تنبیه سخت برای جرم قتل، عفو و بخشش را توصیه نموده است که خود، بر فضای اخلاقی حاکم بر جامعه مؤثر بوده، با مبادله احسان و نیکی، تألیف قلوب را به دنبال دارد. آیه ۱۱ سوره توبه، التزام به احکام الهی را ملاک و منشأ اخوت و برادری، که عمیق ترین نوع اتحاد و همبستگی اجتماعی است، بیان می کند. در ادامه آیه، پیمان شکنی و تمسخر مقدسات و طعن در دین را عامل دشمنی و شکاف تلقی می کند. در کنار آیاتی که به وحدت و همبستگی بین ادیان آسمانی و پیامبران اشاره می کند (بقره: ۱۳۳ و ۱۳۶)، آیاتی نیز وجود دارد که حکایت از اختلاف افکنی پیروان سایر ادیان با یکدیگر (بقره: ۱۱۳) و نیز نسبت به اسلام و پیامبر اسلام (ص) دارند (بقره: ۱۲۰)، و البته همبستگی بین همه ادیان آسمانی و پیامبران بدان معنا نیست که همه آنها از همه جهات با هم برابر باشند، بلکه از جهاتی با یکدیگر متفاوتند. این تفاوت ها موجب اختلاف بین آنها نمی شود (بقره: ۲۵۳).

از سوی دیگر، با توجه به اینکه همبستگی مورد نظر الهی، بر محوریت دین و خصایص فطری و طبیعی استوار است، اگر افراد با ایمان به خدا و انجام اعمال و مناسک دینی، التزام قلبی و عملی خود را به اسلام و احکام آن نشان دهند، وارد جرگه مسلمانان شده و طبعاً از کلیه مزایای مسلمانی برخوردار خواهند شد. این برخورداری از مزایای اجتماعی نیز در قالب «برادری» بیان شده که خود امری طبیعی و تکوینی است تا عمق رابطه برای همه ملموس تر شود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵۹). طبعاً در چنین رابطه ای، همه خصومت ها و کدورت های پیشین از بین می رود (توبه: ۱۱) (مراغی، ۱۳۸۲: ۴۲).

نکته دیگری که در این آیه و آیه پس از آن وجود دارد، تشویق و ترغیب به ایمان آوردن و اعلان همبستگی با مسلمانان و اعلان شدت تنبیه در عدم ایمان و بقای بر کفر است (توبه: ۱۱-۱۲). اعلان این تشویق و تنبیه همزمان، همان گونه که همبستگی اجتماعی در درون مسلمانان را شدت می‌بخشد، زمینه شکاف و گسست اجتماعی در درون مخالفان و کافران را فراهم می‌سازد؛ زیرا این آیه، بیانگر نوعی تهدید برای آنان محسوب می‌شود و رعب و ترس را به خصوص در آیات بعدی، که حاکی از دستور جنگ با کفار و مشرکان است، در آنان ایجاد می‌کند (حجاری، ۱۴۱۳). خصومت کفار و مشرکان با اسلام و پیام‌های توحیدی آن، اختصاص به صدر اسلام نداشته و همواره در طول تاریخ این دشمنی‌ها نشان داده شده است. در کنار آن، پذیرش توبه کفار و مشرکان و اعلان التزام نظری و عملی آنها و اعلان همبستگی با جامعه مسلمانان نیز همواره وجود دارد و طبعاً هر گاه مشرک و کافری به جرگه مسلمانان وارد شود، از حقوق و مزایای مسلمانان بهره‌مند خواهد شد (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۲۵).

از آنجایی که مدار و محور همبستگی اجتماعی، اسلام است، در آیه ۲۴ سوره توبه، به صراحت بیان می‌کند که هیچ امر دیگری نباید جایگزین اسلام و آموزه‌های آن شود. همان گونه که همبستگی بر محور دین است، مطلوبیت نهایی دارد، گسست‌های اجتماعی ناشی از قوم‌مداری، مربوط به پیروان سایر ادیان است (روم: ۳۲). در این زمینه، یهودیان بیش از پیروان سایر ادیان در صدد ایجاد اختلاف و شکاف بین مسلمانان بوده‌اند. البته، این امر نباید موجب سوء برداشت شده، با همه آنها برخورد ستیزه‌جویانه شود، بلکه برخوردها باید همراه با رفق و مدارا و با هدف آگاهی‌بخشی و تبلیغ باشد (عنکبوت: ۴۶) (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۳۸). بدین وسیله، زمینه وحدت و همبستگی با آنان فراهم خواهد شد (مدرسی، ۱۴۱۹: ۴۶۹) در نتیجه، بر اساس آیات قرآنی باید بین پیروان سایر ادیان، که شیوه آزار و اذیت و ایجاد شکاف‌های اجتماعی بین مسلمانان را بر گزیده‌اند و آنان که چنین نیستند و آمادگی پذیرش و یا زندگی مسالمت‌آمیز با مسلمانان دارند، تمایز قائل شد (حجاری، ۱۴۱۳: ۳).

در قرآن کریم مدار همبستگی اجتماعی، ایمان به خدا، دین و اصول آن مطرح شده است (مجادله: ۲۲). همچنین سایر عواملی را که به طور طبیعی می‌توانند عامل همبستگی اجتماعی باشند را بیان می‌کند که نباید مودت و همبستگی دینی را تحت‌الشعاع قرار دهد؛ ۵۴ زیرا محبت به خدا و ایمان به او، با محبت به دشمنان خدا جمع نمی‌شود (مراغی، ۱۳۸۲: ۲۸). در همین زمینه، پیامبران الهی در مواردی از اقوام خود برائت جسته‌اند (ممتحنه: ۴)؛ زیرا آنان

کافر و یا مشرک شده و از توحید الهی رویگردان شده اند. این امر موجب شده تا آنان با اقوام خود اعلان جنگ و دشمنی کنند؛ زیرا پیامبران اسوه می‌باشند، سلوک ایشان الگوی عمل پیروان آنان خواهند بود (زحیلی و هبه، ۱۴۲۲: ۱۰۹).

حاکمیت و اقتدار آن: یکی از عوامل مهم در حفظ و بقای همبستگی اجتماعی، اقتدار حاکمیت است. قرآن کریم این خصیصه را در آیه ۵۰ نساء بیان کرده است. براساس این آیه، همه مؤمنان باید از خدای متعال و پیامبرش و آنان که مدیریت جامعه از سوی خدا به آنها سپرده شده است، اطاعت کنند و نافرمانی نداشته باشند. تبعیت و اطاعت محض مؤمنان از خدا و پیامبر و اولی الامر، اختلاف و نفاق را از بین می‌برد و از هرگونه تشدد و شکاف جلوگیری می‌کند. اگر پس از آن، اختلاف نظری پدید آمد، دستورات الهی مبنای معیار قرار می‌گیرد تا بر اساس دستورات الهی، زمینه اختلاف برچیده شود و یا حل شده و مرتفع گردد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۷۸). در این اختلاف و نزاع، سطوح و لایه‌های متفاوتی وجود دارد که به شکاف و گسست اجتماعی منجر می‌شود. این آیه همه سطوح را شامل می‌شود. این گسست، گاه می‌تواند بین عموم مؤمنان باشد و یا آنکه به تنازع و رقابت‌های بین نخبگان محدود شود. گاه نیز ممکن است به تنازع بین مردم، نخبگان و حاکمان کشانده شده، هرج و مرج مطلق را نشان دهد. چنانکه موضوع اختلاف نیز می‌تواند متفاوت باشد و گاه آن قدر گسترده شود که شامل هر چیزی در دایره شرع شود.

حاکمی که باید از او اطاعت شود، در زمان حضور، پیامبر اکرم (ص) و یا ائمه معصوم (ع) می‌باشند و در دوران غیبت، جانشینان ایشان و کسانی که از سوی ایشان به نصب عام تعیین شده اند (ابن عاشور، التحریر و التنویر، ج ۴: ۱۶۷). براساس آرای مفسران شیعی، اطاعت و تبعیت پس از رسول اکرم (ص) جانشینان ایشان و اهل بیت (ع) می‌باشند. پس از ایشان عالمان دینی هستند که مسیر پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) را دنبال کرده اند (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۰۸). بنابراین، تبعیت از پیشوایان دین، که خود جزیی از دین و آموزه‌های دینی است، عامل ایجاد و بقای همبستگی اجتماعی می‌شود.

اطاعت تام و کامل از پیامبر (ص) و عدم ایجاد شکاف در میان مؤمنان در آیه ۱۱۵ نساء مورد تأکید واقع شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲) در این میان، مؤمنان نباید از فناوری‌ها و دستاوردهای سایر ملل خود را محروم سازند؛ زیرا بهره‌گیری از فناوری‌های سایر اقوام و جوامع، به معنای عدم تبعیت از جامعه نبوی نیست، بلکه عدم تبعیت از سیره پیامبر اکرم (ص) در آنجایی

است که اهداف و لوازم آن نادیده گرفته شده، جامعه اسلامی آلوده به کفر و شرک شود (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۸۶).

در نهایت می توان گفت که زندگی اجتماعی و مدنی برای انسان چه یک امر فطری باشد و یا ضرورتی اکتسابی، با تحقق اجتماعی سالم و عاری از هرگونه اختلاف و تفرقه، می تواند نیازهای مادی و معنوی انسان را تأمین کند. جامعه، که متشکل از نهادهای مختلف است، مشترکات و محورهای گوناگون تشکیل دهنده ای دارد. مهم ترین آنها در تحلیل بسیاری از اندیشمندان، زبان، نژاد و سرزمین است. در هر جامعه ای ممکن است نقش هر کدام در وحدت و انسجام آن جامعه متفاوت باشد. اما آنچه قابل تأمل است، اینکه عامل یاد شده، چه بسا بستر مناسبی برای نابرابری، جنگ و خونریزی باشند، درگیری های تاریخی قبیله ای و نژادی در طول تاریخ شواهد خوبی بر این مدعا هستند. به نظر می رسد، برای حفظ، آرامش و جلوگیری از هر گونه اختلاف، جامعه بشری نیازمند عاملی قوی تر و فراتر از چاره اندیشی بشری است تا منافع همه شهروندان را تأمین نماید. براساس مراجعه به متون دینی و بعضاً غیردینی، راز این سلامت و تأمین نیاز واقعی را در حقیقتی به نام دین باید یافت. در لابلای فرامین قرآن کریم و آیات متعدد آن، دلایل روشن و آشکار مستقیم و غیرمستقیمی بر این حقیقت دلالت دارد که قبل از آنکه جامعه شناسان به آن توجه کرده باشند، خود قرآن در چهارده قرن قبل از این حقیقت پرده برداشته است، قرآن تنها عامل اساسی وحدت واقعی جامعه و انسجام اعضای آن را در واحدها و نهادهای مختلف «دین» می داند. برخی شواهد قرآن کریم در باب همبستگی و نقش دین در آن عبارتند از:

۱. عنایت قرآن بر این که خدا را در جمع و با جمع بخوانید. در این خصوص، توجه دقیق به محتوی سوره مبارکه حمد، پرده از این حقیقت بر می دارد.

اولاً، در این آیات ضمائر همه جمعند، ثانیاً، محتوای تعبیر جمع، حاکی از بعدی از ابعاد دین است.

۲. تأکید قرآن بر همزیستی براساس ایمان. قرآن کریم همه انسان ها را برابر و فرزندان آدم می داند و آن را تنها با عامل پارسایی و تقوی ارزیابی می کند: «انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرکم عندالله اتقاکم ان الله علیم خبیر» (حجرات: ۱۳).

و در جایی دیگر معیار وحدت جامعه بشری را در تمسک به خداوند می داند: «واعتصموا بحبل الله جمیعا و لاتفرقوا» (آل عمران: ۱۰۳). در جایی دیگر، محور همه ادیان آسمانی را

توحید دانسته، از آنها می‌خواهد تا همبستگی و یکپارچگی خود را در سایه توحید حفظ نمایند: قل یا اهل الكتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم الا تعبدوا الا الله و...» (آل عمران: ۶۴). پیامبر^(ص) بذر همدلی و هم‌صدایی و اتحاد را در بین همه افشاند و معیار این همدلی را بر تقوی تأکید کرد: «ایها الناس کلکم لادم و آدم من تراب لافضل لعربی علی اعجمی الا بالتقوی» (مطهری، ۱۳۷۸: ۲۵۶).

به علاوه، این موارد، باید به نتیجه این همدلی در حول توحید توجه کرد که قرآن کریم در مورد مسلمانان از آن با برادری و اخوت یاد می‌کند: «انما المومنون اخوة فاصلحوا بین اخویکم» (حجرات: ۱)

در حقیقت، قرآن کریم در عرصه ارتباطات بین فردی و در گروه‌های کوچک و بزرگ اجتماعی، همه انسان‌ها را به قلمروهای فرا فردی رسانده از این طریق، وابستگی و همبستگی اجتماعی او را تقویت می‌کند و به جامعه و تاریخ پیوند می‌دهد. از این‌رو، وقتی جامعه دچار بحران‌های شدید می‌گردد، عواطف مذهبی می‌تواند آن را پشتیبانی کند و احساسات و معنویت اجتماعی را تقویت نماید (مکارم شیرازی، ۱۳۶۸: ۲۴۸).

در واقع، دین به عنوان عاملی ایمن ساز از طریق تقوی و متن دین، جامعه را مصونیت می‌بخشد. این حقیقت را در تمامی فرامین قرآن کریم می‌توان یافت. از جمله:

الف. دستور به اقامه نماز تا انسان و جامعه را از تباهی و فساد برهاند (عنکبوت: ۴۵)

ب. تأکید بر حضور هر جمعه در نماز جمعه (جمعه: ۹)

ج. سفارش مؤکد به انفاق در سراسر قرآن کریم می‌کند. (بقره: ۴؛ ۲۶۱-۲۸۱)، (توبه: ۶۰)

د. تأکید و سفارش بر انجام مناسک حج و توجه به امور مردم در آن: (حج: ۲۷)؛ (آل عمران:

۹)؛ (مانده: ۹۷)

ه. در جهاد و مقابله با کفار، مشرکان و منافقان در جای جای قرآن دعوت به مبارزه و مجاهده کرده است و مبارزه‌کنندگان را بر اهل قعود و سکوت و آرامش طلبی ترجیح داده است: (توبه: ۷۴)؛ (توبه: ۱۰)؛ (توبه: ۷۳)؛ (توبه: ۲۰)؛ (توبه: ۲۹)

و. در طرح امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان یک عامل اساسی و درونی جامعه، برای سالم سازی آن و کنترل غیررسمی و بدون دخالت‌های نظامی و انتظامی به این وظیفه مهم اشاره می‌کند؛ (آل عمران: ۱۰۴؛ ۱۱۰؛ ۱۱۴).

هرچند این گونه شعایر و آداب دینی و دستورات در قرآن کریم فراوان است، اما به نظر می‌رسد، جهت ورود به بررسی تطبیقی مبانی نقش دین در همبستگی اجتماعی، همین میزان اشاره کافی است که قرآن کریم خود یکی از طراحان اصلی ضرورت همبستگی دینی در جامعه است.

فرضیه اصلی

به نظر می‌رسد بین دینداری و همبستگی اجتماعی رابطه وجود دارد.

فرضیات فرعی

- به نظر می‌رسد بین بعد اعتقادی دینداری و همبستگی اجتماعی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین بعد عاطفی دینداری و همبستگی اجتماعی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین بعد پیامدی دینداری و همبستگی اجتماعی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین بعد مناسکی دینداری و همبستگی اجتماعی رابطه وجود دارد.

روش شناسی

تحقیق حاضر بر حسب هدف از نوع کاربردی و از نظر روش، توصیفی-پیمایشی است روش گردآوری اطلاعات کتابخانه ای و میدانی می باشد. جامعه آماری این تحقیق، عبارتند از کلیه شهروندان تهرانی می باشند. که در این تحقیق حجم جامعه آماری نامحدود در نظر گرفته شده است. در این تحقیق جهت برآورد حجم نمونه از جدول کرجسی و مورگان استفاده شده است. با توجه به اینکه حجم جامعه آماری شامل شهروندان تهرانی می باشند، حجم جامعه آماری نامحدود در نظر گرفته شده است. با توجه به جدول مورگان حجم نمونه برای چنین جامعه ای ۴۰۰ نفر در نظر گرفته می‌شود. بنابراین حجم جامعه آماری ما ۴۰۰ نفر بوده و این نمونه گیری به روش نمونه گیری خوشه ای انجام می پذیرد. که شهر تهران را به ۵ جهت تقسیم می کند (شمال، جنوب، مرکز، شرق و غرب) و مناطق ۲۲ گانه شهری موجود در تهران با توجه به جهت مشخص کرده و سپس مناطق موجود در هر جهت، یک منطقه شهری انتخاب شده و به هر کدام از جهت ها به تعداد ۸۰ نفر سهمیه داده می شود. از آنجائی که ابزار اصلی در این پژوهش

پرسشنامه می باشد. به منظور اطمینان بیشتر از روایی ابزار سنجش، از مصاحبه و مشورت با اساتید راهنما و تأیید ایشان و نیز نظرخواهی از کارشناسان استفاده شده است. برای پایایی ابزار از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که نتایج ذیل به دست آمده است

جدول ۱: پایایی ابزار سنجش

مقدار الفای کرونباخ	بعد
۰/۸۵	بعد اعتقادی
۰/۸۳	بعد عاطفی
۰/۷۶	بعد پیامدی
۰/۷۷	بعد مناسکی
۰/۷۱	همبستگی اجتماعی
۰/۸۲	دینداری
۰/۷۹	کل

یافته ها

طبق داده های به دست آمده ۴۶ درصد از حجم نمونه مرد و ۵۴ درصد زن هستند. بیشترین افراد نمونه را افراد ۲۰ تا ۳۰ سال تشکیل می دهند. نزدیک به ۶۰ درصد از پاسخگویان مجرد و ۴۰ درصد متأهل هستند. بیشترین افراد نمونه را افراد دارای مدرک لیسانس تشکیل می دهند (۳۳ درصد) و ۲۲/۵ درصد دارای مدرک کاردانی هستند. بیشترین افراد نمونه در رشته علوم انسانی هستند (۴۶ درصد) و ۲۲ درصد نیز در رشته فنی تحصیل می کنند. ۸۲ درصد افراد نمونه در شهر زندگی می کنند. با توجه به نحوه نمونه گیری در هر یک از مناطق پنج گانه تهران ۸۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ۴۶ درصد از افراد نمونه فارس و ۲۴ درصد ترک هستند. بیش از ۴۰ درصد افراد نمونه دارای شغل آزاد هستند و تقریباً ۱۲ درصد کارمند هستند. در زمینه شغل مادر ۷۴ درصد خانه دار هستند. از نظر درآمد بیشترین افراد نمونه دارای درآمد بین ۷۰۰-۱۴۰۰ هزار تومان هستند (۲۹ درصد). از نظر درآمد پدر نیز بیشترین افراد نمونه دارای

درآمد بین ۷۰۰-۱۴۰۰ هزار تومان هستند (۳۲ درصد). در زمینه درآمد مادران ۷۷ درصد جواب ندادند که به نظر می رسد با توجه به خانه دار بودن ۷۴ درصد از پاسخگویان آنها درآمد ثابت نداشته باشند. از نظر تحصیلات پدر بیشترین افراد نمونه دارای تحصیلات راهنمایی هستند (۳۲ درصد). تحصیلات مادر بیشترین افراد نمونه، تحصیلات راهنمایی است (۲۲ درصد). بیشترین افراد نمونه دارای تعداد جمعیت خانواده ۵ نفر هستند (۲۴ درصد).

جدول ۲: نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنف

آماره	دینداری	اعتقاد دینداری	بعد عاطفی	بعد پیامدی	بعد مناسکی	همبستگی اجتماعی
میانگین	۳/۶۶	۳/۶۳	۳/۹۳	۳/۷۰	۳/۷۳	۳/۶۷
انحراف معیار	۰/۸۰	۰/۸۲	۰/۸۲	۰/۸۶	۰/۸۳	۰/۷۹
آماره کولموگروف	۱/۳۴	۱/۲۱	۱/۰۲	۱/۲۶	۰/۹۶	۱/۱۹
سطح معناداری	۰/۰۵	۰/۱۰	۰/۲۳	۰/۰۸	۰/۳۱	۰/۱۱

سنجش هر کدام از ابعاد دینداری

جدول ۳: آماره های توصیفی

متغیر	حجم نمونه	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد میانگین
دینداری	۴۰۰	۳/۹۳	۰/۸۲	۰/۰۴
اعتقاد دینداری	۴۰۰	۳/۷۰	۰/۸۶	۰/۰۵
بعد عاطفی	۴۰۰	۳/۳۷	۰/۸۳	۰/۰۵
بعد پیامدی	۴۰۰	۳/۶۷	۰/۷۹	۰/۰۴
بعد مناسکی	۴۰۰	۳/۹۳	۰/۸۲	۰/۰۴
همبستگی اجتماعی	۴۰۰	۳/۷۰	۰/۸۶	۰/۰۵

جدول ۴: آزمون t

ارزش آزمون = ۳

نام متغیر	مقدار آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین	فاصله اطمینان میانگین با اطمینان ۹۵ درصد

حد بالا	حد پایین					
۰/۸۴	۱/۰۳	۰/۹۳	۰/۰۰۰	۴۰۰	۱۸/۹۱	دینداری
۰/۶۰	۰/۸۰	۰/۷۰	۰/۰۰۰	۴۰۰	۱۳/۶۲	اعتقاد دینداری
۰/۲۷	۰/۴۷	۰/۳۷	۰/۰۰۰	۴۰۰	۷/۴۶	بعد عاطفی
۰/۵۷	۰/۷۶	۰/۶۶	۰/۰۰۰	۴۰۰	۱۳/۹۶	بعد پیامدی
۰/۸۴	۱/۰۳	۰/۹۳	۰/۰۰۰	۴۰۰	۱۸/۹۱	بعد مناسکی
۰/۶۰	۰/۸۰	۰/۷۰	۰/۰۰۰	۴۰۰	۱۳/۶۲	همبستگی اجتماعی

با توجه به یافته‌ها برای سنجش وضعیت هر کدام از متغیرهای دینداری، سطح معناداری برای تمام ابعاد برابر ۰/۰۰۰ و کمتر از ۰/۰۵ می باشد. بنابراین در مورد برابر نبودن میانگین تمامی متغیرها با میانگین فرضی ۳ تأیید می شود.

یافته های استنباطی

جدول ۵: آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرها

نتایج آزمون فرضیه ها	مقدار	سطح معنی داری	حجم نمونه	متغیر وابسته	متغیر مستقل
تایید شد	۰/۵۵۶	۰/۰۰۱	۳۸۹	همبستگی اجتماعی	دینداری
تایید شد	۰/۵۱۰	۰/۰۲۱	۴۰۰		اعتقاد دینداری
تایید شد	۰/۶۲۱	۰/۰۰۳	۳۴۵		بعد عاطفی
تایید شد	۰/۴۹۳	۰/۰۴	۳۷۷		دینداری
تایید شد	۰/۷۷۶	۰/۰۳۱	۳۹۲		بعد پیامدی
					دینداری
					بعد مناسکی

بحث و نتیجه گیری

دین از عوامل مهم و تأثیرگذار در همبستگی اجتماعی است. دین چهره جهان را در نظر فرد دیندار دگرگون می‌سازد و طرز تلقی او را از خود، خلقت و رویدادهای پیرامون تغییر می‌دهد. فرد دیندار خود را تحت حمایت و لطف همه جان به خداوند، بزرگترین نیروی موجود می‌بیند و بدین ترتیب احساس اطمینان و آرامش و لذت معنوی عمیقی به وی دست می‌دهد. او خداوند را منشأ خیر و برکت می‌داند. بنابراین، در نظر چنین فردی همه رویدادها حتی بلاها و مصایب نعمت و آزمایشی از جانب خداوند تلقی می‌شوند. او خود را موظف می‌داند که سختی‌هایی را که با قدرت عقل قابل توجیه نیستند، با ایمان تحمل نماید تا به تکامل دست یابد. چنین فردی به واسطه ناملایمات و ناکامیهای زندگی دچار ناامیدی و اضطراب نمی‌گردد، زیرا خداوند را حامی خویش می‌داند. او اطمینان دارد که این حوادث و رویدادها گذرا هستند و او پاداش صبر خود را خواهد گرفت. فرد دیندار با هموعان و اطرافیان خود رابطه خوب و مبتنی بر احترام متقابل و محبت برقرار می‌کند.

در این تحقیق نتایج تحلیل داده‌ها نشان دادند بین دینداری و همبستگی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. دینداری می‌تواند موجب افزایش سطح همبستگی اجتماعی در بین افراد جامعه و یا گروه‌های اجتماعی شود. نتایج فرضیات این رابطه را به اثبات رسانده است. یافته‌های تحقیق با نظر دورکیم که معتقد است دین موجب افزایش همبستگی اجتماعی می‌شود همخوانی دارد. در واقع جوامع سنتی که نقش دین در آنها پررنگتر است از همبستگی اجتماعی بیشتری برخوردارند. همچنین این یافته با نتایج تحقیق یزدی (۱۳۹۰) و اصغری (۱۳۸۵) و لگر (۲۰۰۳) همخوانی دارد. نتایج تحقیق یزدی (۱۳۹۰) نشان داد هیچ یک از نهادهای اجتماعی نتوانسته به اندازه نهاد دین در ایجاد، تقویت و ماندگاری همبستگی اجتماعی نقش داشته باشد و یکی از کارکردهای مهم نهاد دین ایجاد انسجام اجتماعی است. این نهاد با ارائه دستورات مشخص از یک سو آحاد جامعه را به شیوه‌ای خاص اجتماعی می‌کند و آنان از طریق ارائه یک الگوی روشن و با چارچوب تربیتی، شخصیت‌سازی می‌شوند. اصغری (۱۳۸۵) به بررسی کارکردهای دین پرداخت که یکی از این کارکردها همبستگی و انسجام اجتماعی بوده است. در تحقیق لگر (۲۰۰۳) بیان نمود که با بزرگ شدن اتحادیه اروپا مناسب است تا نقش دین را در ایجاد همبستگی اجتماعی و خلق هویت اروپایی مدنظر قرار داد. از نظر وی دین از عناصر اصلی و عمده یکپارچگی و گستردگی عمل متقابل اعضای جامعه و گروه با یکدیگر است. اگرچه نتایج تحقیق کاربو (۲۰۱۳) نشان داد دین در بعضی از جوامع مانند ایتوپی که

دارای تعارضات دینی هستند نقش زیادی بازی نمی‌کند و علت آن هم وجود چند دین در یک جامعه است اما همبستگی اجتماعی می‌تواند از طریق تشویق و تقویت همکاری مذاهب و همکاری و مشارکت مقامات دولت فدرال و ایالتی به دست آید.

همچنین رابطه ابعاد دینداری به تفکیک با همبستگی اجتماعی تأیید گردید. رابطه بعد اعتقادی دینداری و همبستگی اجتماعی با نظر دورکیم همسو است. همان‌طور که دورکیم اشاره می‌کند بخشی از دین مجموعه اعتقاداتی است که فرد دیندار دارد و این اعتقادات بر رفتارهای او با دیگران تأثیر می‌گذارد نتایج این تحقیق نشان داد بین بعد اعتقادی دین و همبستگی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد این یافته با نظریه لنسکی سازگار است لنسکی، راست کیشی را میزان پذیرش نظریه های دینی (احکام) و دستورهای مجامع دینی و عبودیت را جهت گیری فرد در عرصه خصوصی در عبادت میدانند به نظر وی دو بعد راست کیشی و عبودیتی فرد را به خود دین متصل می‌کند و ابعاد مشارکتی و معاشرتی، فرد را به گروه های دینی پیوند می‌زند این یافته با نتایج تحقیق حسامی (۱۳۹۰) و یزدی (۱۳۹۰) همخوانی دارد.

حسامی (۱۳۹۰) بر این باور است مبنای توحیدی و فطری همبستگی اجتماعی در قرآن، نه در محدوده زمانی محصور می‌شود و نه در تنگناهای مرزهای جغرافیائی. از این رو، مواردی از هنجارها و قواعد حقوقی برآمده از ارزش‌های ثابت و استوار، همواره ثابت خواهند بود. و افراد دیندار با وجود اشتراک در خالق واحد، مبدأ و معاد نیز مشترک شده و با وجود این اشتراکات عمیق، تفاوت‌ها نمی‌تواند به گونه‌ای رخ‌نمایی کند که تبدیل به اختلاف و نزاع شود. یزدی (۱۳۹۰) نیز دریافته است نهاد دین از طریق انجام مناسک دینی و عبادات گروهی و جمعی همواره در حال بازتولید انسجام اجتماعی است، در حقیقت یکپارچگی و وحدت اجتماعی یکی از دستاوردهای مهم نهاد دین است و نتایج تحقیق قاسمی و امیری ۱۳۹۰ نیز نشان داد بعد اعتقادی بیشترین تأثیر را بر سرمایه اجتماعی دارد.

وجود رابطه بین بعد عاطفی دینداری و همبستگی اجتماعی در این مطالعه حکایت از انواع مختلف ارتباطات نیرومند عاطفی و اجتماعی ساکنین دارد. این یافته با نتایج تحقیق اصغری (۱۳۸۵) همخوانی دارد وی به نقل از دورکیم یکی از کارکردهای دین را حمایت روانی و عاطفی می‌داند و معتقد است مذهب انسان‌ها را در دنیای ناامنی‌ها مورد حمایت عاطفی خود قرار داده، در حوادث مهم زندگی به آنها یاری می‌رساند. این یافت با نظریه هرویو لژه نیز همخوانی دارد از نظر او فرآیند هویت‌یابی دینی اجتماعی در بافت مدرنیته از ترکیب چهار بعد که یکی از ابعاد

دین را بعد عاطفی (آگاهی‌های عاطفی) می‌داند و نتایج تحقیق قاسمی و امیری ۱۳۹۰ نیز نشان داد بعد عاطفی بر سرمایه اجتماعی تأثیر دارد.

رابطه بین بعدپیمادی دینداری و همبستگی اجتماعی ناظر بر اثرات باورهای، اعمال، تجارب و دانش دینی بر زندگی روزمره پیروان است. مطابق دین اسلام این استانداردهای رفتاری که روزمره فرد باید رعایت کند، از جمله پرهیز از حرام‌ها و مکرهات و همچنین عمل به مستحبات و واجبات در رفتار و گفتار روزمره، بسیار زیاد است در واقع تأثیر اعتقادات دینی در پیامدهای اجتماعی آن مشخص می‌گردد. این یافته با نتایج تحقیق افشانی و همکاران (۱۳۸۹) همخوانی دارد آنها دریافتند بین میزان دینداری با ابعاد مختلف میزان اعتماد اجتماعی (به جز اعتماد به محیط)، رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. به عبارت دیگر با افزایش میزان دینداری، اعتماد نهادی، اعتماد تعمیم یافته و اعتماد بین شخصی افزایش می‌یابد. در مجموع نیز با افزایش میزان دینداری، میزان اعتماد اجتماعی افزایش پیدا می‌کند. همچنین نتایج تحقیق آزادارمکی و مدری (۱۳۹۰) با تأثیر جنبه‌های پیامدی دینداری همخوانی دارد نتایج تحلیلی برگرفته از تحقیق آنها نشان می‌دهد ارتباط میان ارزش‌های دینی با ارزش‌های خانوادگی بیش از ارزش‌های حوزه سیاست و کار است و این یافته تئوری قطعه قطعه شدن ارزش‌ها را تأیید می‌کند و همچنین مدل تبیین ارزش‌های خانوادگی با ارزش‌های دینی قابل قبول است و نتایج تحقیق قاسمی و امیری (۱۳۹۰) نیز نشان داد بعد پیامدی بر سرمایه اجتماعی تأثیر دارد. در تحقیق سراج زاده و پویافر (۱۳۸۷) نیز در مورد رابطه کجروی با ابعاد دینداری نیز بعد پیامدی شدت بیشتری نسبت به ابعاد دیگر دینداری دارد.

ارتباط بین بعد مناسکی دینداری و همبستگی اجتماعی نشان وجود تشریفات خاص هر آیین را در بین پیروانش دارد. همان‌طور که دورکیم اشاره می‌کند بعدی از دین تشریفات و مناسک آن مانند رفتن به کلیسا یا مسجد و اجرای مراسم مذهبی است و تقریباً همه ادیان از تشریفات خاصی برخوردارند در این تحقیق دریافتیم مناسکی دینداری و همبستگی اجتماعی رابطه وجود دارد در واقع بخش مهمی از همبستگی اجتماعی در محیط‌های مذهبی با اجرای مراسم دینی شکل می‌گیرد این یافته با تحقیق مردانی و همکاران (۱۳۹۴) همخوانی دارد آنها دریافتند از بین خرده مقیاس‌های دینداری، باورهای دینی و التزام به وظایف دینی با نوع دوستی رابطه مثبت دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش میزان دینداری در افراد احتمال اینکه افراد رفتارهای نوع دوستانه از خود نشان دهند افزایش می‌یابد. علاوه براین با

افزایش میزان نوع دوستی احتمال اینکه فرد جهت‌گیری مذهبی درونی داشته باشد بیشتر است و نتایج تحقیق قاسمی وامیری (۱۳۹۰) نیز نشان داد بعد مناسکی بعد از بعد اعتقادی بیشترین تأثیر را بر سرمایه اجتماعی دارد در تحقیق سراج‌زاده و پویافر (۱۳۸۷) نیز در میان ابعاد دینداری، بعد پیامدی و بعد مناسکی دارای بیشترین رابطه همبستگی منفی با انومی هستند. و چون انومی معیار همبستگی اجتماعی است نتیجه می‌گیریم ابعاد پیامدی و مناسکی رابطه مستقیم و معنادار با همبستگی اجتماعی دارند.

Examine the role religion plays in social cohesion among citizens in Tehran

Hasanali Tatar¹, Dr.soroush Fathi²

Abstract

Social solidarity among members of a society's collective Brtvafq implies acceptance of it and internalize the values and norms of a community belonging to Total (we feel) and engage people in the community. The various factors involved in the creation or promotion of solidarity, according to their weight is one of the basic factors of religion. We know religion has a social character is the sum of many lives with certain beliefs Vdrbrdarndh, It is apparent ritual, religion is outward and visible social and community members to a collector calls. The aim of this study the role religion plays in social cohesion among citizens of Tehran. The research method is descriptive and survey sample of 400 residents were selected by cluster sampling method. Instrument, religiosity test standard questionnaire, a questionnaire was used Glock Vastark social solidarity. The findings suggest that the level of religiosity and its dimensions and social cohesion among citizens is moderate to high study. The results corroborated the fact that religiosity essential role of social ity among citizens is also a significant relationship was found between the religious aspects of social cohesion.

Keywords: Religious, social solidarity, faithfulness, emotional, consequence, rituals.

1. Graduate student, Department of Sociology of Garmsar, Islamic Azad University of Garmsar, Iran.

2. Department of Social Sciences, Islamic Azad University, Garmsar, Iran (Corresponding Author).

منابع

فارسی

- ابن خلدون، ع ال. (۱۳۶۲)، مقدمه، ترجمه: پروین گنابادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ازکیا، م. و دربان آستانه، ع. (۱۳۸۲)، روش های کاربردی تحقیق، تهران: انتشارات کیهان.
- ابن فارس، ال ا. (۱۴۱۰)، معجم مقاییس اللغة، بیروت: بی نا.
- اسکیدمور، و. (۱۳۷۲)، تفکر نظری در جامعه شناسی، ترجمه علی محمد حاضری و دیگران، تهران: ناشر سفیر.
- اسمیت، ف دا. (۱۳۸۳)، درآمدی بر نظریه فرهنگی، ترجمه: حسن پویان، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی، مرکز بین المللی گفتگوی تمدن ها.
- اصغری، م. (۱۳۸۵)، شناخت کارکرد دین و تأثیر آن بر احیای ارزش ها از منظر شهید مطهری، بخش دوم. مجله اندیشه. شماره ۵۹.
- اوپنهایم، ا. ان (۱۳۶۹)، طرح پرسشنامه و سنجش نگرش ها، ترجمه: مرضیه کریم نیا، تهران.
- اینگلهارت، ر. (۱۳۷۳)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه: مریم وتر، تهران: نشر کویر.
- آبراهامز، ج. (۱۳۶۹)، مبانی و رشد جامعه شناسی، ترجمه: حسن پویان، تهران: چاپخش.
- آرون، ر. (۱۳۷۲)، مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه: باقر پرهام، تهران: انتشارات اطلاعات.
- آقایی، م. ر. (۱۳۸۹)، آموزه های قرآن کریم و نقد نظریه دورکیم مبانی نظریه دین و همبستگی اجتماعی، تهران.

- بیبی، ا. (۱۳۸۴)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه: دکتر رضا فاضل، جلد اول، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاه ها (سمت).
- برگر، پ. و لاکمن، ت. (۱۳۷۵)، ساخت اجتماعی واقعیت، مترجم: فریبرز محمدی، تهران: علمی و فرهنگی.
- بیرو، آ. (۱۳۸۱)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: باقر ساروخانی.
- تنهایی، ح. ا. (۱۳۹۰)، جامعه شناسی دینی در شرق باستان، چاپ دوم. تهران: بهمن برنا.
- توسلی، غ. ع. و مرشدی، ا. (۱۳۸۵)، بررسی سطح دینداری و گرایش های دینی دانشجویان امیرکبیر، نامه جامعه شناسی ایران، دوره هفتم، شماره ۴، زمستان.
- توسلی، غ. ع. (۱۳۷۶)، نظریه های جامعه شناسی، تهران: انتشارات سمت، چاپ پنجم.
- جعفریان، ر. (۱۳۷۱)، نزاع سنت و تجدد، قم: رثوف.
- جلایی مقدم، م. (۱۳۷۹)، درآمدی بر جامعه شناسی دین، تهران: مرکز.
- چلبی، م. (۱۳۸۴)، جامعه شناسی نظم، تهران: نشرنی.
- خالقی فر، م. (۱۳۸۱)، بررسی ارزش های مادی / فرامادی دانشجویان دانشگاه های تهران، عوامل مؤثر بر آن و روابط آن با برخی از نشانگان فرهنگی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- خاکی، غ. ر. (۱۳۸۲)، روش تحقیق با رویکرد پایان نامه نویسی، تهران: انتشارات بازتاب.
- دورکیم، ا. (۱۳۸۱)، تقسیم کار اجتماعی، مترجم: باقر پرهام، تهران: مرکز.
- دورکیم، ا. (۱۳۸۳)، صور بنیادین حیات دینی، مترجم: نادر سالارزاده، تهران: مرکز.
- رابرتسون، ر. (۱۳۸۵)، جهانی شدن، نظریه های اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه، کمال پولادی، تهران: نشر ثالث.
- رجب زاده، ا. و کوثری، م. (۱۳۸۱)، آنومی سیاسی در اندیشه دورکیم، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ای نوزدهم، شماره اول.
- ریمون، آ. (۱۳۸۱)، مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه: باقر پرهام.

- ریتزر، ج. (۱۳۸۶)، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.
- سراج زاده، ح. (۱۳۸۴)، چالش های دین و مدرنیته، تهران: طرح نو.
- شاذلی، س ب ب ق ا. (۱۴۱۲)؛ فی ظلال القرآن، چاپ هفدهم، بیروت و قاهره، دارالشروق.
- شجاعی زند، ع ر. (۱۳۸۴)، مدلی برای سنجش دینداری، نامه جامعه شناسی ایران، دوره ششم، شماره اول، بهار.
- شریفی یزدی، ع ر. (۱۳۹۰)؛ نقش نهاد دین در همبستگی اجتماعی، روزنامه ایران، ۱۳.
- شوکانی، م ب ع. (۱۴۱۴)، فتح القدير، چاپ اول، دمشق و بیروت، دار ابن کثیر و دار الکلم الطیب.
- صالحی، س ر. (۱۳۸۸)، انسجام ملی و تنوع فرهنگی، تهران: انتشارات کمیل.
- طباطبایی، س م ح. (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- غفاری، غ ر. و ابراهیمی لویه، ع. (۱۳۸۵)، جامعه شناسی تغییرات اجتماعی، تهران: نشر آگه، چاپ سوم.
- فصلنامه فرهنگ عمومی و حقوق شهروندی، سال ۱۳۸۴، شماره ۴۲
- فضل الله، س م ح. (۱۴۱۹)، تفسیر من وحی القرآن، بیروت، چاپ دوم، دارالملاک للطباعة و النشر.
- قرشی، س ع ا. (۱۳۷۷)، تفسیر احسن الحدیث، چاپ سوم، تهران: بنیاد بعثت.
- کوزر، ل. (۱۳۸۲)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، چاپ دهم، تهران: انتشارات علمی.
- کوزر، ل. و رزنبرگ، ب. (۱۳۸۱)، نظریه های بنیادین جامعه شناختی، ترجمه: فرهنگ ارشاد تهران: نشر نی، چاپ اول.
- مدرسی، س م ت. (۱۴۱۹)، من هدی القرآن، تهران: چاپ اول، دار محبی الحسین.

- ملکی، ح. (۱۳۸۶)، همبستگی اجتماعی در گروه‌های قومی: مطالعه موردی استان گلستان، فصلنامه، سال دهم. ش اول، ص ۱۴۸-۱۲۳.
- کوئن، ب. (۱۳۸۱)، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت.
- گنجی، م. (۱۳۸۳)، تبیین وضعیت دینداری دانشجویان دانشگاه اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- گیدنز، آ. (۱۳۷۸)، راه سوم و بازسازی سوسیال دموکراسی، ترجمه، منوچهر محسنی، تهران: نشر تیرازه.
- مهدی زاده، س. م. (۱۳۸۵)، رهیافتی انتقادی به فرهنگ و جامعه نو. رسانه، شماره ۱.
- میرسندسی، م. (۱۳۸۳)، بررسی میزان و انواع دینداری دانشجویان، پایان نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- نیک پی، ا. (۱۳۸۰)، نگاهی به برخی تحولات دینی در ایران معاصر، نامه انجمن جامعه‌شناسی، شماره سوم.
- واخ، ی. (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی دین، ترجمه: جمشید آزادگان، تهران: سمت.
- وبر، م. (۱۳۸۵)، دین، قدرت، جامعه، ترجمه: احمد تدین، تهران: هرمس.
- ویلم، ژ. پ. (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی ادیان. ترجمه: عبدالرحیم گواهی، تهران: علم.
- همیلتون، م. (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی دین، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات تبیان.
- یوسفی، ع. و اصغرپور، ا. ر. (۱۳۹۰)، بررسی شناختی شهر مشهد، چارچوب مفهومی و روش شناختی، شهرداری مشهد، چاپ نشر.
- یوسفی، ن. (۱۳۸۳)، شکاف بین نسل‌ها، بررسی نظری و تجربی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.